امام خمینی در سخنان تاریخی خود به‌نماینده پاپ، میانجیگری پاپ را در مورد مناسبات ایران وامریکا ومسئله استرداد شاه مخلوع رد کرد و گفت: جنایتکار ما را بدهید بدست ما!

متن سخنان تاریخی امام خمینی رادرشماره فردا باطلاع خوانندگان گرامی خواهیم رساند.

تبلیغات ضد ایرانی امپریالیسم امریکا را خنثی کنیم

بازهم امریکا! امریکا!

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دورهٔ هفتم، سال اول، شمارهٔ ۸۹
یکشنبه ۲۰ آبان ۱۳۵۸ - تک‌شماره ۱۰ ریال

در اینروزها شبکه عظیم تبلیغاتی امپریالیسم امریکا سخت اندرکار است تاباافکار عمومی جهان وانمود کند که «یك‌مشت تروریست» ریخته‌اند وسفارت امریکا را تصرف کرده‌اند و گروهی «دیپلمات و کارمند بیگناه» را بگروگان گرفته‌اند ودربرابر آزادی آنهامیخواهند «انسان بیماری» را تحویل بگیرند.

ولی چه کسی امپریالیسم امریکا، این گانگستر بین‌المللی را، که هرلاش آغشته بخون بی‌گناهان غارت شده درچهار سوی جهان است، نمیشناسد و کدام دست‌ای ازاین‌جهان پهناور است که مردانش در خون غلطیده، ودر آتش سوخته باشند ودست این گانگستر بین‌المللی آتش‌افروز وخونریز درکار نبوده باشد! چه کسی نمیداند که محمدرضا پهلوی «انسان بیماری» نیست، جنایتکاری حرفه‌ای، دژخیمی آدمکش، جانور

بقیه درصفحه ۶

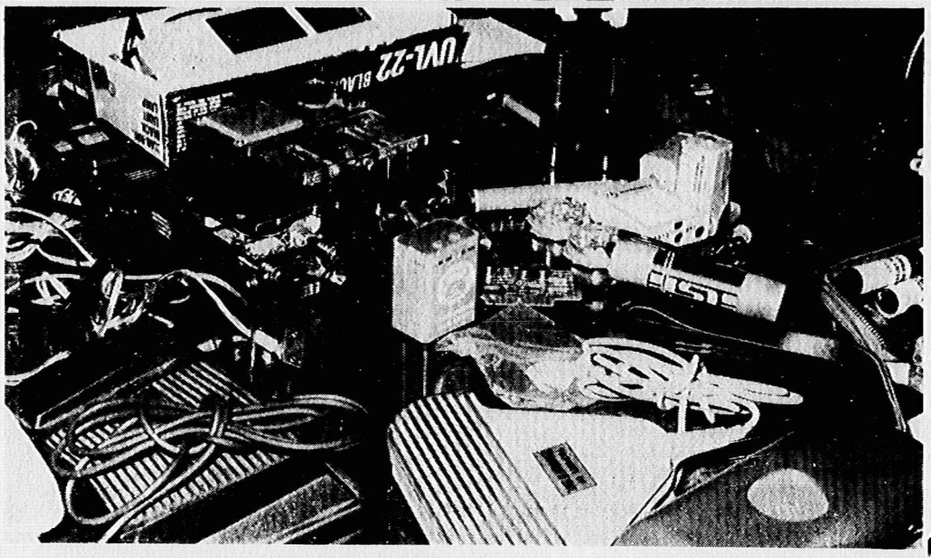

گوشه‌ای ازدستگاههای پیچیده لانه جاسوسی امریکا، که ازآنها علیه‌مردم و انقلاب‌ایران استفاده میشد

مردم شیراز در تظاهرات وسیع ضدامریکائی، شعار میدادند:

نه‌سازش، نه تسلیم نبرد باامپریالیسم

یك هفته از اشغال لانه‌جاسوسی آمریکا میگذرد ومردم همچنان آن را درمحاصره دارند.

بقیه درصفحه ۲

چرا دولت آقای بازرگان مجبور به‌استعفا شد

استعفا، ودر واقع سقوط دولت موقت آقای بازرگان، واقعه بزرگی درجریان انقلاب است. مطبوعات، احزاب و محافل سیاسی‌ونیز خودآقای بازرگان، هریك از دیدگاه خودبشرح علل‌واقعه پرداخته‌اند.

شناخت علل‌واقعه، بخاطر تجربه‌آموزی بسود گسترش و تعمیق‌انقلاب وتأمین‌پیروزی نهائی آن ضروراست. مانظر خود را در این باره بیان میداریم:

سقوط‌دولت موقت بازرگان، شکست سیاست معینی است. این سیاست، ولو باحسن‌نیت‌وصداقت آقای بازرگان دنبال‌میشد، سیاستی ناهم‌آهنگ وحتی درزمینه‌هائی ناسازگار بامحتوا‌واهداف‌انقلاب بود.

انقلاب ایران از نظرمحتوا وهدف، انقلابی‌است‌ضدامپریالیستی، ضد استبدادی وخلقی که‌میبایستی پایگاههای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم‌رادرهم‌کوبد واستقلال کشور را درتمام ابعاد آن تامین نماید، آزادیها‌و حقوق دمکراتیك را در کشور برقرار سازد، نظام اقتصادی- اجتماعی‌نوینی بسود مستضعفان‌وطبقات زحمتکش‌خلق بسازد.

سیاست دولت بازرگان، به ویژه‌درزمینه مبارزه‌علیه‌امپریالیسم وفروکوفتن پایگاههای نفوذ آن ونیز درزمینه پیگیری در راه اهداف خلقی انقلاب، باجریان انقلاب هم‌گام‌نبود. جریان‌انقلاب خوشبختانه هنوز جوشان است. و این جریان، آن سیاست راکنار افکند.

مبارزه علیه امپریالیسم و فروکوفتن پایگاههای نفوذ آن، قاطعیت انقلابی می‌طلبد. سیاست دولت‌موقت‌ازاین‌قاطعیت‌برخوردار نبودکه سهل‌است، تاحدسازشکاری، توام باتمایل‌وتسامح بود.

بعنوان مثال‌میتوان یادآور شدکه ازالغای قرارداد دوجانبه نظامی باامریکا، که قراردادی علناً استعماری است، بمدت بیش ازماه‌ها پس از پیروزی نخستین مرحله‌انقلاب، جلوگیری کرد و فقط‌همین چندروزپیش، که امواج توفنده‌نبرد انقلابی‌ضدامپریالیستی جوشان وخروشان بتلاطم‌درآمد، پیشنهاد الغاء این قرارداد به شورای انقلاب تسلیم‌گردید.

نزدیك به۹ ماه ازپیروزی انقلاب میگذرد وماهنوز قریب ۱۰۰۰ قرارداد نابرابر با کشورهای امپریالیستی و اکثراً باایالات متحده امریکا داریم، که «بررسی» همه‌آنهادرفضا «معلق» است.

دولت ایالات‌متحده در تمام این‌مدت به‌توطئه‌گری و تحریك درایران اوامرداد، ازجمله‌علیه‌در کردستان و درخوزستان. حتی مقامهای رسمی‌دولتی‌اعلام‌داشتند که‌اویسی وپالیزبان و زاهدی و غیره بدستور و کمك مستقیم امریکا دراین‌توطئه‌هادست دارند. صدای اعتراض برضد این توطئه‌گریهای امپریالیسم امریکا ازسنگ درآمد، ولی‌اززبان‌رسمی دولت بازرگان‌درنیامد.

سیاست دولت‌موقت‌بازرگان در مبارزه علیه وابستگی به امپریالیسم برمبنای این‌استدلال قرارداشت که: «چون‌وابسته‌بوده‌ایم و وابسته هستیم، بناچار باید وابسته بمانیم». این‌سیاست‌ایران را نیازمند آمریکا میدانست ودر نتیجه‌،شیوه اجرای‌آن خودداری ازرنجاندن امپریالیسم‌امریکا بود. آقای بازرگان «با صداقت» این سیاست را چنان پیگیر دنبال می‌کردکه درنطقهای طولانی‌خود حتی‌از بردن نام امپریالیسم‌امریکا خودداری می‌کرد ودشمن انقلاب را با اکراه صهیونیسم واسرائیل معرفی می‌کرد، که خود مولود

بقیه درصفحه ۲

در صفحات بعد:

سخنی باهشدار به‌چریك‌های فدائی خلق

■ چرا جای شما در جشن ضد امپریالیستی مردم خالی است صفحه ۳

آفرین! راه‌حل مسائل کشاورزی همین است...

صفحه ۶

■ یاسرعرفات: پیروزی‌سوسیالیسم‌دراتحادشوروی پیروزی ملت فلسطین نیزهست صفحه ۶

■ مورخان آموزش و پرورش، تاریخ معاصر ایران را جعل کرده‌اند صفحه ۴

■ جهان سرمایه‌داری بابدبینی وجهان‌سوسیالیسم باخوش‌بینی به‌استقبال آینده میروند صفحه ۳

■ انجمن‌بین‌المللی حقوقدانان‌دمکرات، سیاست تجاوزی و توسعه‌طلبانه رهبری پکن را محکوم می‌کند صفحه ۳

مراسم یادبود افسران شهید توده‌ای در تبریز

مردم ایران آرزومند پیروزی مذاکرات کردستان اند

درآغاز درگیری جنگهای کردستان، حزب‌توده‌ایران باجسارتی‌انقلابی، ناشی‌ازتحلیل‌علمی‌وضع موجودواحساس مسئولیت دربرابرمنافع انقلاب‌بزرگ مردم ایران، اعلام‌نمود که مسئله‌کردستان تنها یك راه‌حل دارد و آنهم راه‌حل مسالمت‌آمیزمبتنی بررفع‌ستم ملی ازخلق‌کرد است. وامروز شاهد این واقعیت هستیم که شعارفوق به شعارتقریباًهمگانی مبدل‌گردیده‌است‌واین مایه‌خرسندی‌ومباهات‌حزب‌توده‌ای ماست. اینك‌باراهنمائی رهبرروشن‌بین واساندوست‌انقلاب ایران، امام خمینی، هیئت ویژه و نمایندگان خلق‌کرد به مذاکره پرداخته‌اند وبرای حل المسالی مسئله‌کردستان در تلاشند وما کامیابی این تلاشها را ازصمیم قلب خواهانیم.

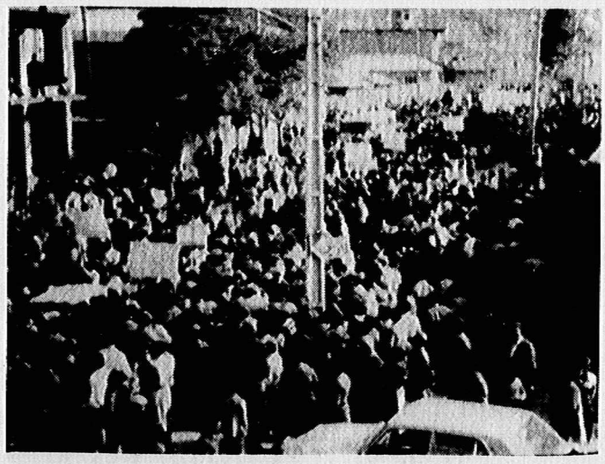

صحنه‌ای ازتظاهرات‌ضدامریکائی مردم‌مهاباد درروز۶آبان ۱۳۵۸ در پشتیبانی از «دانشجویان مسلمان پیروخط‌امام».

درارتباط باشعارحزب‌توده ایران‌درموردحل‌مسئله‌کردستان، که دیگرمورد قبول تقریباً همگانست، ضمناً سئوالات زیادی‌مطرح میشود. برخیها میخواهند درباره شعارتوضیح بیشتری داده شود و برخی دیگرنگرانیهائی را مطرح میسازند.

شعارحزب‌توده ایران ازدوبخش ترکیب یافته‌است، «راه‌حل مسالمت‌آمیز» و «مبتنی بررفع ستم ملی ازخلق‌کرد». معنای این شعارآنست که حل‌مسئله‌کردستان ازراه نظامی وازطریق ادامه ستم ملی برخلق‌کرد ممکن نیست. چرا؟

اولا - بدلیل اینکه مسئله‌کردستان مسئله نظامی نیست، بلکه مسئله خلقی است‌که حقوق مشروع خودرا میخواهد وباین حقوق چون نان وآب وهوا نیازمند است. باهیچ ارتش وسلاحی

بقیه درصفحه ۲

مردم شیراز: نه‌سازش، نه‌تسلیم، نبرد باامپریالیسم

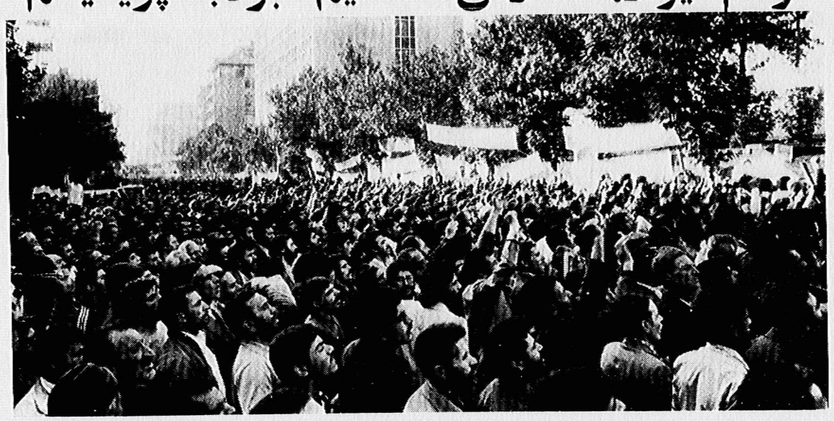

انبوه مردم تهران همچنان لانه جاسوسی آمریکا را در محاصره دارند

یك هفته ازاشغال جاسوسخانه امپریالیسم آمریکا درایران میگذرد.

هفته پیش، درچنین ساعاتی، فریـاد مرگ بر آمریکا، خشم‌توفنده خلق مارا بگوش جهان رساند و راعاتی بعد، دانشجوبانی که «خط امام» راپی گرفته‌اند، لانه جاسوسی آمریکا درتهران را اشغال کردند.

دریك هفته‌ای که‌ازاشغال‌لانه جاسوسی‌میگذرد، انقلاب دوم ایران که از اولی بزرگتر است، به وسعت خاك ایران، پشتوانهٔ‌خلق‌راجلب‌کرده است. بادوبگر، بعدازتفرقه وتشتت چند ماهه‌که ضدانقلاب همه نیروی خود را درگوی همه‌گیرشدن آن‌گذاشته بود، پیروان «خط امام»، که همه ایرانیان انقلابی، صرفنظرازتفاوت درعقاید سیاسی، مسلکی ومذهبی هستند، مشت واحدی شدند که‌بوزه خونین امپریالیسم ودررأس‌آن‌امپریالیسم آمریکا راهدف گرفته است.

یـك هفته است‌که ایران، چـون شیران، در شمارها وسرودهاوضربکوب راه‌پیمایان، علیه‌خونخوار-ترین دشمن خود،که امپریالیسم غارتگر و جنایت‌پیشه پـاسکی است، میغرد. رسانه‌های گروهی چـون زمان بـرنگونی شاه مخلوع، دررهائی از پیامهای همیشگی خلق غرق شده‌اند. از رفتگر تهرانی تا نانوای خاشی، ازکارگر نیشابوری تـا بزرگ سمنانی، از زاغه‌نشین خراسانی تاگهرنشین بوشهری، دیدا دانشجویان‌مسلمان پیروخط امام»، اعلام همبستگی می‌کنند ونفرت خود را نثارامپریالیسم آمریکا می‌نمایند.

درلانه جـاسوس آمریکا، آنچه ازانبوه اسناد خردشده وسوزانده شده باقی مانده، یك بـه یك افشا میشود.

سال پوش، درچنین روزی، از داخل این لانه جاسوس، فرمان‌کشتارمردم صادرمیشد واسلحه‌وزیر تلویزیون ژواپـای آن را بمردم نشان میدهد ومملت قهرمان ایران به‌چشم می‌بیند که جاسوسان آمریکائی، دردل خاك ایران، برای غارت وکشتار اوجنایتهاست عظیمی برپاکرده بودند.

درشماره دیروز «مردم» گزارش را از مشهد خواندید، که درآن فریاد خشم مردم علیه‌آمریکامنعکس بود.

در شماره امروز «مردم» گزارش زیررا، کـه خبرنگاران «مردم» از شیراز برایمـا فـرستاده‌اند، می‌خوانید.

تظاهرات ضدآمریکائی در شیراز

ساعت ۱۰صبح روزدوشنبه ۱۴ آبان، تظاهراتی به‌حمایت از اشغال جاسوس‌خانه آمریکا بوسیله‌دانشجویان مسلمان پیرو خطامام وپاسداران انقلاب اسلامی‌ایران، ازجانب دانشجویان مسلمان دانشگاه شیراز باحمایت دیگر نیروهای مترقی انجام شد. دانشجویان باشعارهای مترقی وضدامپریالیستی از دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز براه افتادند وپس‌ازگذشتن از خیابان قـرآن، چهارراه زند وسپس فلکه ساعت‌به‌محل کنسولگری‌امریکا در شیراز در خیابـان ارم رسیدند و در آنجا اجتماع نمودند.

شعارهای زیر درطی راه‌پیمائی،که باستقبال وسیع مـردم روبرو شد، از طرف شرکت کنندگان در تظاهرات داده میشد.

● سفارت آمریکا، لانه ضدخلق است.

● سفارت آمریکا، این لانه جاسوسان، تعطیل باید گردد.

● آمریکا، آمریکا، مرگ برنهرنیکسن نو

● آمریکا آمریکا، دشمن مگذارما

خمینی، خمینی، رهبرکشاورزما

● نه سازش، نه‌تسلیم،

نبرد باامپریالیسم

محل کنسولگری آمریکاقبل ازورودداشجویان به‌تصرف پاسداران انقلاب وگروهـی از دانشجویـان درآمده بود.

در جلـو کنسولگری چندپیاز پرچـم آمریکا سوزانده شد.

روز بعدهم درتابعد عمل اشغال سفارت دولت امپریالیستی امریکا وبتصرف درآوردن‌این‌لانه‌جاسوسی، سردمنده شاهنین، توسط دانشجویان مسلمان پیرو خـط رهبر انقلاب‌امام خمینی، اظرف انجمن دانشجویان و دانش‌آموزان مسلمان وابسته به‌جنبش ملی مجاهدین، ازساعت دصبح بـرگزاه‌راه‌پیمائی صورت گرفت. درپایان راه‌پیمایی قطعنامه‌ای صادرشد که درآن تظاهر کنندگان خواستار قطع هر نوع رابطه با امپریالیسم تا زمـان استرداد شاه خائن ومطلوع یاران و نفو قراردادهای نظامی با آن کشور ورد هرگـونه بازشکاری و پیگیری هرچه بیشتر درمبارزه با بازشکاری و تعطیل سفارت آمریکا شدند.

تظاهرات شبانه‌روزی

در تهران، لانه‌جاسوسی آمریکا، بمدازیك‌هفته که ازاشغال‌آن می‌گذرد، همچنان درمحاصره‌شبانه‌روزی مردم است.

درتمام ۲۴ساعت تنها یك‌فریاد از آنجابگوش میرسد،

ـ مرگ برآمریکا!

مردمی که سال‌پوش درچنین روزهائی با مشت خالی باحکومت نظامی شاه‌فرموده جنگیدند و در پای دیوارهای همین جاسوسخانه خون پاکشان خیابانها را رنگ‌میزد، لحظه‌ای جاسوسخانه رانرك نمی‌کنند.

خیابانهای اطراف‌جاسوسخانه، وپویژه‌خیابان طالقانی، درمحدوده خیابان‌های مازران و سرلشکر قرنی، اکنون یکی ازمراکز انقلابی‌جهان است.

کیانپرشوها به‌این محل آمده‌اند. در شبهای سرد پائیزی گروهی ازکارگران به‌مردم چای افتخاری میدهند. درگوشه پیاده‌رو خانواده‌ها پتوپهن کرده‌اند و در خیابان، رژه‌عظیم انقلاب، فریاد خروش خلق‌وبانك توفانی مردم دررژه عظیم انقلاب پایانی ندارد.

هرلحظه هزاران قهرمان دست دردست سرود-خوانان پیمان نابودی امپریالیسم رامی‌بندند‌وهرکس شاعر بزرگی است.

درجشن‌بزرگ‌خلق، هرلحظه چصرودهاوشعار-های ناب که متولد میشود، سرودهائی‌که در همسرائی هزاران زن ومرد به‌ثبت تاریخ داده میشود.

دیشب بیش‌ازهزه، این‌شعارها درمقابل لانـه جاسوسی شنیده میشد،

ـ آمریکا

ای حامی مستکبران

ای دشمن مستضعفان

ـ ایران، ایران، ایران، غرنده چون شیران

لانه مکر آمریکا کرده‌ایم برسرش ویران

بازهم امریکا! امریکا!

شنیده بودید ومیدانستیدکه سفارت امریکا درحقیقت یك لانه جاسوسی است. شایدهم‌تصورمیکردیدکه این‌یك توصیف‌مبالغه‌آمیز لبخندانی است. وبااینکه حداکثر ممکن است دراین سفارت بخشی هم بامورجاسوسی اختصاص داشته باشد،کلاًبد هیاوانست از اطاقکی یا مقداری پرونده ، حاوی‌گزارشهای جاسوسان «سیا» و «ساواك» ا

اما سرانجام فرارسیدآن روزی‌که فرزندان خلق پرده‌های استتار را فروردریدند وآنچه‌را نادیدنی بود،عیان ساختند.

درمحوطه سفارت یك‌دستگاه آمبولانس فولکس واگن کشف شدکه برروی آن علامت‌صلیب سرخ نقش کرده بودندو دررون‌آن وسائل‌جاسوسی، تعقیب واستراق‌سمع تعبیه‌کرده‌بودند.

ـ وبعد دهها فرستنده وگیرنده بصورت دکمه‌لباس،باسمك و یا سنجاق‌کراوات. عینك‌های مخصوص تعقیب و مراقبت، که با دستگاههای فرستنده وگیرنده مجهز بود. ولوز وسائل ردیاب‌آهن، انواع وسائل برای‌نوشتن خطهای نامریی وبرای ظاهرکردن این نوع خطوط، دستگاههای انگشت‌نگاری ودستبندهای پلاستیکی.

ـ وبعد سلاحهای «دفاعی» ،چاقوهای ضدگلوله،گلوله‌های ساچمه‌ای، گازهای سمی، گازهای اشك‌آور ، تفنك های متعدد و نارنجکهای دستی!

و اینها همه درراتهای راهروئی‌در درون «گاوصندوق»! با قفل‌ودشمه، مکانیکی و الکترونیکی با دری بقطر بیست سانت. بالای در دوربینی‌الکترونیك که بدیوار نصب شده است. اما آنچه دیدشت این درپنهان است صندوق نیست. اطاقی‌است بزرك. و آنهم نه‌یك اطاق معمولی. گردا‌گرد آن قفسه‌بندی شده با طبقات‌کتوئی بالای یکی‌ازقفسه‌ها تلویزیونی‌کوچك نصب‌شده. تلویزیونـی مدارسته دوراتباط بادوربینی‌که بالای در«گاوصندوق» قراداشت برای‌کنترل بیرون ازرودن.

هریك ازکشوهای قفسه راکه بیرون می‌کشیم، با یك‌دستگاه مجهز فرستنده یا گیرنده، الکترونیك روبـرو میشویم و نـیز با کامپیوتر وتلکس.

وبدیوار نقشه‌ای ازایران ونقاط مشخص‌شده، برروی نقشه دایره‌های تودرتو،که مرکزهمه‌آنها تهران‌است و بزرگترین دایره تمام خاك ایران را دربرگرفته‌است.

دورگوشه‌ای!یشکه‌ای! تا نیمه بر ازلاشه‌های ریـزریز شده استادی‌که مجولانه مدموم‌کشته‌اند. دستگاهی مخصوص از بین‌بردن اسنادونوارهای‌کامپیوتری‌که حاوی اطلاعات گردآوری‌شده‌بوده‌اند و درکوشه‌ای، بازرد «گاوصندوق» بچشم میخوورد! با همان قفل‌های دوگانه وقطر دربیشدن دوربس‌آن بازهم اطاقی! که درآن برروی دراطاقکی‌دیگر نوشته شده‌است: «خط تشمشیر»،که درپشت‌در نه موتوری است نه دستگاه برقی، اما بر بام اطاقك حبابی‌سفید و کنیدگونه قرارگرفته‌که در زیرپیك سیستم بیسارقوی مخابراتـی «مهکروویو» مخفی شده‌است.

و در گوشه‌ای باز بشکـه‌ای! گـورستان صفحات آرد شده الکترونیك! بوسیله دستگاه مخصوصی که ظرف چند دقیقه صفحات الکترونیك را از بین می‌برد و گردی‌ازآن برجای می‌گذارد.

واین دژ، این زرادخانه، این استودیوی مجهـز و نیرومند مخابراتی، اینها وسائل«دیپلماسی» آمریکا است!

وایستگـه‌سفارت‌آمریکا! لانه جاسوسان و دشمنان خلق‌ما و تمام خلقهای دربند جهان.

و با این‌آمریکا است‌که امام خمینی بدرستی می‌گوید،

«ما روابط با امریکا را میخواهیم چه‌کنیم»!

چرا دولت آقای بازرگان مجبور به‌استعفاشد؟

بقیه ازصفحه ۱

امپریالیسم آمریکا هستند. دولت موقت مسئله دشمن شماره ۱ را همیشه‌بازنگذاشت. کاراین‌سیاست با نجاتکیه‌کرد دولت آمریکا چنان چیزی شدکه شاه مخلوع را برای تشویق ضدانقلاب و برای اعلان علنی‌قاطعیت و پیگیری خود در بازپس‌گرفتن «بهشت‌گم شده»اش به خاك خود برد و دولت موقت بجای واکنش‌فوری وقاطع،بصورت طلب استرداد شاه مخلوع،ازدولت امریکا تقاضا کرد که اجازه دهـد پزشك ایرانی تحصیل کرده در امریکا وبعود قبول امریکا، شاه مخلوع را معاینه کند تا ببیند بیمارست یا نه(!) گوئی‌مطلب‌بر سرسیماری یا سلامت اوست، نه‌بر سرافتدار سیاسی توطئه‌گرانه‌امریکا بخاك امریکا، همان معنا را داشت.

آقای‌بازرگان‌درست‌میگوید که‌کنار رفتن او دارنتیاط مستقیم‌با‌مذاکره با برژینسکی ، مشاور امنیتی‌رئیس‌جمهور امریکا،نداشته است. این‌مذاکرات که‌پشت‌درهای بسته‌صورت گرفت، دروا قع‌آنطرف بود که‌کلمه سیاست « گام‌بگام» را ابرز کرد.

این سیاست خارجـی دولت موقت نسبت‌بامپریالیسم، دروا قع لیبرال‌بسود خلق زحمتکش‌فراتر نهد، ولی متاسفانه‌گوش‌شنوائی‌در دولت موقت نوافتیم. کمترین توجهی به‌انتقادهای سازنده، بـه پیشنهادهای سازنده مانند، دولت موقت همواره دنبال آدم‌میگشت و چـون نخواست و نتوانست از چارچوب محدودیت طرفداری خود بیافراتـر نهد، اورا نیافت.

ماامیدواریم‌کشورای‌انقلاب، که‌اینك تمام‌قدرت‌حاکم‌رادرست دارد، برقدرت‌خلق‌زحمتکش‌تماما تکیه‌کند وباقاطعیت بیشتر،وتثبیت وتحکیم وگسترش انقـلاب، از روی «خط‌امام» ـ یعنی‌خط‌ضد-امپریالیستی ، استقلال‌طلبانـه و خلقی ، بسوی نـوسازی بنیادی اقتصادی ـ اجتماعی‌کشور،بسود مستضعفین علیه مستکبرین گام برداارد.

داران وزمین‌داران‌بزرك وابسته، یعنی پایگاه اقتصادی واجتماعی امپریالیسم درایران متجلی‌شد.

این‌سیاست‌ازشکارانه شکست خورد. شکست آن‌نشان میدهدکه انقلاب رهائی‌بخش ما قدرت‌آنرا دارد که باهدافی خلقی و ضدامپریالیستی که درپیش‌دارد، دست یابد. منبع این قدرت توده‌های میلیونی زحمتکشمـان‌اند. اینك برای دسترسی باین اهداف باید به توده‌های میلیونی تکیه کرد. به‌قدرت عظیم انقلابی آنان‌اعتقاد داشت.

به شیوه‌سیاسی آنان، که یارها به مقیاس عظیم سراسر کشور، با علاقمندترین وجهی‌بروزکرده است، معتقد بود.

روش‌ما نسبت‌بدولت موقت آقای بازرگان انتقادساز‌نده‌بود، به‌این دلیل کـه ما ضمن شناخت خصلت آشتی‌ناپذیر بورژوازی لیبرال، این واقعیت را در نظر گرفتیم‌که این‌قشر اثرسرمایه‌داری برخلاف‌قشروابسته به‌امپریالیسم، در مرحله نخست انقلاب بـا آن همراهی‌کرد. ما درانتقاد سازنده خود به‌دولت موقت،صادقـوپیگیر بودیم، هرانتقادی را تـوام بـا راهنمائی، بارائه پیشنهادهـا‌زنده عرضه داشتیم. مابفدر امکان خود کوشیدیم‌که دولت موقت رادا را چارچوب تنك منافع بورژوازی لیبرال‌بسود خلق زحمتکش‌فراتر نهد. ولی متاسفانه‌گوش‌شنوائی‌در دولت موقت نیافتیم. کمترین توجهی به‌انتقادهای سازنده، بـه پیشنهادهای سازنده مانند، دولت موقت همواره دنبال آدم‌میگشت و چـون نخواست و نتوانست از چارچوب محدودیت طرفداری خود بیافراتـر نهد، اورا نیافت.

ناشی از سیاست داخلـی ،دنباله سیاست داخلی، زائیده‌وضع‌بحرانی بورژوازی لیبرال نسبت باهداف انقلاب‌ایران بود. بورژوازی‌لیبرال ازروی غریزه طبقاتی، انقلاب را پس ازسقوط رژیم استبدادی‌وسلطنتی تمام‌شده، تلقی‌کرد وسعی‌داشت و سعی دارد گسترش آنرا در محدوده منافع تنك طبقاتی خـود متوقف سازد. دولت موقت‌آقای‌بازرگان، بدون نمایندگی‌ایـن بورژوازی لیبرال، در راه تحقیق مـواضع اقتصادی بورژوازی وابسته و زمین‌داری وابسته قاطعیت بخرج ندادکه سهل است،این‌وابستگـی را امری تلقی‌کرد که‌ناگزیر باید تحمل‌کرد.ازاین دیدگاه،ضرورت یاکسازی دستگاه دولتی،دستگاهی که‌برای‌خدمت بسرمایه‌داری و زمین داری وابسته تشکیل یافته است، نادیده‌گـرفته‌شد. مجازات عوامل‌رژیم گذشته،انتقام‌جوئی وتصفیه حساب ، نامورد شد،که باپاسداران آن احترازکرد.ازگسترش مصادره‌واحدهای تولیدی‌واموال سرمایه‌داران وزمین‌داران بزرك ممانعت بعمل آمد. نفوذ مخرب سرمایه‌داران وزمین داران بزرك وابسته تاحدودزیادی باقی ماند. هیچ‌تدبیر واقدام قاطعی در راه تحرك تولید موسسات‌صنعتی بعمل نیامد، در نتیجه بیکاری گسترش یافت، برخی‌از کالاهای کمیاب‌المصرف دچار کمبودگشت، قیمتها بسرعت بالارفت، دشواریهای بزرك‌اقتصادی-اجتماعی بوجودآمد.

این‌سیاست داخلی وخارجی، که بامحتوا و اهداف خلقی وضد امپریالیستی انقلاب سازگار بود، موجب پیدایش دوگانگی قدرت حاکم شده،که خود رشد و تعمیق انقلاب را دچار کند.

درنتیجه نفوذعوامل‌سرمایه-داران‌وزمین‌داران‌بزرك‌ودرستگاه دولتی، سیاست دولت موقت‌نسبت به حل‌مسئله خودگردانی‌خلقهای ساکن‌ایران‌در‌کردستان،ترکمنستان و بلوچستان و غیره براه خطا افتاد.

بجای‌ایرانحسن‌نیت درقبول آن درخواستهای خلق کـرد، که مثبتی برحق‌وعدالت است، اعمال قهر نظامی بکار رفت که باعث شعله‌ورشدن‌آتش جنگ‌شد. ازاین جریان‌شد، انقلاب جدا کثیرسوء-استفاده را برودهوژهم میبرد.

خلاصه خصلت طبقاتی ونفع طبقاتی بورژوازی لیبرال، که با محتوا و اهداف خلقی و ضد امپریالیستی ناسازگار است و سازشکاری دولت هم در سیاست خارجیـت بـسامپریالیسم و هبود سیاست‌داخلی نسبت‌بقشرسرمایه-

بقیه درصفحه ●

مردم ایران آرزومند پیروزی مذاکرات کردستان‌اند

نمی‌توان کردرا دادار کرد که کردبودن‌خود وزبان‌کردی وفرهنگ کردی را فراموش کند و احساس نکنندکه زیربار محرومیتها، که بخش مهمی ازآن محرومیتهای ناشی ازستم ملی است. استخوانش خرد می‌شود.

ثانیاً ـ اصرار درراه‌حل نظامی بمعنای آنست که طرفدار این راه‌حل، خواهان یکی ازدوتیجه زیرین است، یاسرکوب شدن خلق‌کردو یاتتیجه پنهان‌کردن آتشی بمراتب خطرناکتر ازامروز وزرین خاکستر ازسوئی و معرفی جمهوری اسلامی ایران بمثابه سرکوب‌گرخلقها ازسوی دیگر. وروشن است‌که نه‌چنین آتشی‌زیر-خاکستری درمنطقه‌شدیداً بمعرابی‌خاورنزدیك وجهان، بسودامروز وآینده‌ایران ونه‌چنان معرفی‌سزاوار نام والای انقلاب ایرانست.

وباتاکامی نظامی جمهوری اسلامی ایران درکردستان وسا لتتیجه تضعیف جمهوری اسلامی ایران ودهبوری انقلاب، که یگانه محور مردمی است که همه نیروهای واقعاً انقلابی ایران امروز برابطراف آن گرد آمده‌اند، چنین تضعیفی بسود ضد انقلاب است ولذا خیانت عظیم‌بانقلاب خواهد بود.پس‌درحالیکه نمی‌کوب خلق‌کرد، نه‌تاکامی جمهوری اسلامی ایران و نه تضعیف رهبـری انقلاب، هیچیك جایز وقابل قبول نیست، مسئله‌کردستان را جزاز راه مسالمت‌آمیز، ازپیدراه معقول‌دیگری می‌توان حل‌کرد؟ راه‌حل مسالمت آمیز آن راهی‌است‌که درست برعکس‌راه‌حل‌نظامی، **اولا** پیروزی خلق‌کردرا دردست‌یافتن به خواستهای مشروع خود تأمین خواهد کرد و **ثانیاً** ارضای یك خلق ستمدیده، این خلق را که روح بزرك وشهامت و قهرمانـی آن همیشه ثبت‌بخش تاریخ بوده است، به‌پیشمرك صادق وفداکارانقلاب ایران مبدل خواهدکرد،وبعنی هرخلق‌کرد وهم انقلاب‌ایران‌هردو خواهند برد.

ثالثاً ـ راه‌حل نظامی سبب آن میشودکه درکردستان مرز میان انقلاب وضدانقلاب‌کم شود ودوغ و دوشاب به‌هم قاطی‌گردد و خشك وتری باهم بسوزد. دراین بازار آشفته، ضدانقلاب که هیولـه‌ها وهم‌چیزبه وهم‌کاوه وهم‌پول دارد، میتواند خودرا درصوف خلق جا دهد ووضعی‌را فراهم‌سازدکه حل‌مسئله‌کردستان‌بهمعنای مبدل‌گردد واز این‌خاك سنعمدیده، لبنانها و نلزغترها ایجادکند. ما هراکودن هاهد صحنه‌هائی هستیم‌که درحالیکه نیروهای سالیو واقعاً انقلابی خلق‌کرد وشورای انقلاب ازآتش‌بس ومذاکرات وخـا نـه‌دولت و جنك برادرکشی استقبال می‌کنندوهمگان بی‌صبری منتظرنتیجه کارهیئت‌ویژه هستند، نیروهای‌دیگری،ازچوانب مختلف،درگیری-های یکطرفی تصنعی وتصادمات یکطرفی نامفهوم‌ایجادکرده میکوشند تادر جریان مذاکرات کردستان اخلال کنند. وچوداین اخلالگران، که بودیم، هرانتقادی را توام بـا راهنمائی، بارائه پیشنهادهـا‌زنده عرضه داشتیم. مابفدر امکان خود کوشیدیم‌که دولت موقت رادا را چارچوب تنك منافع بورژوازی لیبرال‌بسود خلق زحمتکش‌فراتر نهد، ولی متاسفانه‌گوش‌شنوائی‌در دولت موقت نیافتیم. کمترین توجهی به‌انتقادهای سازنده، بـه پیشنهادهای سازنده مانند، دولت موقت همواره دنبال آدم‌میگشت و چـون نخواست و نتوانست از چارچوب محدودیت طرفداری خود بیافراتـر نهد، اورا نیافت.

ناشی از سیاست داخلـی ،دنباله سیاست داخلی، زائیده‌وضع‌بحرانی بورژوازی لیبرال نسبت باهداف انقلاب‌ایران بود. بورژوازی‌لیبرال ازروی غریزه طبقاتی، انقلاب را پس ازسقوط رژیم استبدادی‌وسلطنتی تمام‌شده، تلقی‌کرد وسعی‌داشت و سعی دارد گسترش آنرا در محدوده منافع تنك طبقاتی خـود متوقف سازد. دولت موقت‌آقای‌بازرگان، بدون نمایندگی‌ایـن بورژوازی لیبرال، در راه تحقیق مـواضع اقتصادی بورژوازی وابسته و زمین‌داری وابسته قاطعیت بخرج ندادکه سهل است،این‌وابستگـی را امری تلقی‌کرد که‌ناگزیر باید تحمل‌کرد.ازاین دیدگاه،ضرورت یاکسازی دستگاه دولتی،دستگاهی که‌برای‌خدمت بسرمایه‌داری و زمین داری وابسته تشکیل یافته است، نادیده‌گـرفته‌شد. مجازات عوامل‌رژیم گذشته،انتقام‌جوئی وتصفیه حساب ، نامورد شد،که باپاسداران آن احترازکرد.ازگسترش مصادره‌واحدهای تولیدی‌واموال سرمایه‌داران وزمین‌داران بزرك ممانعت بعمل آمد. نفوذ مخرب سرمایه‌داران وزمین داران بزرك وابسته تاحدودزیادی باقی ماند. هیچ‌تدبیر واقدام قاطعی در راه تحرك تولید موسسات‌صنعتی بعمل

بقیه درصفحه ●

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیك مردم ایران باشد

سخنی باهشدار به‌چریکهای فدائی خلق وهوادارانشان
چرا جای شما در جشن ضدامپریالیستی مردم خالی است؟

درهلهله وغریوهیجان‌انگیزی که سراسرایران رافراگرفته، جای‌یك صدای‌آشنا، یك‌غرش تأیید وتهنیت خالی‌است: چریکهای‌فدایی‌خلق... چه‌روی داده‌است؟ به‌راستی چه‌روی داده است‌که در این جشن بزرك ضدامپریالیستی، بازوان‌شما دربازوان مردم به‌جوش آمده‌ای‌که در گردا‌گرد سفارت‌خانه... سفارت نه، جاسوس‌خانه تسخیر شده امریکا، به پایکوبی مشغول‌اند، حلقه‌نیست!؟ چرا در یکی ازبزرگترین لحظه‌های‌اوج وپیروزی انقلاب، با خلقی‌که نامتان‌را ازاوگرفته‌ایدو قاعدتاً باید درغم و شادی‌اش سهیم‌باشید، قهقهه‌نمیزنید؟

آیا این‌یك تصادف‌است؟ به‌نظر ما نه. این ثمره‌ناگزیر یك سیاست، وشاید درست‌تر است بگوئیم، یك اشتباه‌است. این‌اشتباه و اصرار در درادامه آن‌شما را ازمیان توده‌ها‌دفع‌به‌قدم‌بیرون کشید. وشما، که‌به‌گمان‌خودنمیخواستیدودرابا‌ر و توده‌ها باشید، عملاًبرراهی افتادید که‌بخواهید، ایران‌های دوآتشه، مائوئیست‌های ورشکسته، طرفداران دیروز قانون اساسی و مشروطه سلطنتی، پیش‌همین سینه‌چاکان پرهیاهو ودغلکار امروز«آزادی» در آن‌شماره‌میدادند.شما که بزعم خودنمیخواستید جای‌بیشاهنك‌تودرا بادنیا‌ادرو خود، دنیا‌ادروی جبهه‌های شدید که به‌هیچوجه جبهه مردم وانقلاب نیست. شما که نمیخواستید «غیرکوب خلق‌کرد، نه‌تاکامی جمهوری اسلامی ایران و نه تضعیف رهبـری انقلاب، هیچیك جایز وقابل قبول نیست، مسئله‌کردستان را جزاز راه مسالمت‌آمیز، ازپیدراه معقول‌دیگری می‌توان حل‌کرد؟ راه‌حل مسالمت آمیز آن راهی‌است‌که درست برعکس‌راه‌حل‌نظامی، **اولا** پیروزی خلق‌کردرا دردست‌یافتن به خواستهای مشروع خود تأمین خواهد کرد و **ثانیاً** ارضای یك خلق ستمدیده، این خلق را که روح بزرك وشهامت و قهرمانـی آن همیشه ثبت‌بخش تاریخ بوده است، به‌پیشمرك صادق وفداکارانقلاب ایران مبدل خواهدکرد،وبعنی هرخلق‌کرد وهم انقلاب‌ایران‌هردو خواهند برد.

ثالثاً ـ راه‌حل نظامی سبب آن میشودکه درکردستان مرز میان انقلاب وضدانقلاب‌کم شود ودوغ و دوشاب به‌هم قاطی‌گردد و خشك وتری باهم بسوزد. دراین بازار آشفته، ضدانقلاب که هیولـه‌ها وهم‌چیزبه وهم‌کاوه وهم‌پول دارد، میتواند خودرا درصوف خلق جا دهد ووضعی‌را فراهم‌سازدکه حل‌مسئله‌کردستان به‌معنای مبدل‌گردد واز این‌خاك ستمدیده، لبنانها و نلزغترها ایجادکند. ما هراکودن هاهد صحنه‌هائی هستیم‌که درحالیکه نیروهای سالیو واقعاً انقلابی خلق‌کرد وشورای انقلاب ازآتش‌بس ومذاکرات وخـا نـه‌دولت و جنك برادرکشی استقبال می‌کنندوهمگان بی‌صبری منتظرنتیجه کارهیئت‌ویژه هستند، نیروهای‌دیگری،ازچوانب مختلف،درگیری-های یکطرفی تصنعی وتصادمات یکطرفی نامفهوم‌ایجادکرده میکوشند تادر جریان مذاکرات کردستان اخلال کنند. وچوداین اخلالگران، که بودیم، هرانتقادی را توام بـا راهنمائی، بارائه پیشنهادهـا‌زنده عرضه داشتیم. مابفدر امکان خود کوشیدیم‌که دولت موقت رادا را چارچوب تنك منافع بورژوازی لیبرال‌بسود خلق زحمتکش‌فراتر نهد، ولی متاسفانه‌گوش‌شنوائی‌در دولت موقت نیافتیم. کمترین توجهی به‌انتقادهای سازنده، بـه پیشنهادهای سازنده مانند، دولت موقت همواره دنبال آدم‌میگشت و چـون نخواست و نتوانست از چارچوب محدودیت طرفداری خود بیافراتـر نهد، اورا نیافت.

ناشی از سیاست داخلـی ،دنباله سیاست داخلی، زائیده‌وضع‌بحرانی بورژوازی لیبرال نسبت باهداف انقلاب‌ایران بود. بورژوازی‌لیبرال ازروی غریزه طبقاتی، انقلاب را پس ازسقوط رژیم استبدادی‌وسلطنتی تمام‌شده، تلقی‌کرد وسعی‌داشت و سعی دارد گسترش آنرا در محدوده منافع تنك طبقاتی خـود متوقف سازد. دولت موقت‌آقای‌بازرگان، بدون نمایندگی‌ایـن بورژوازی لیبرال، در راه تحقیق مـواضع اقتصادی بورژوازی وابسته و زمین‌داری وابسته قاطعیت بخرج ندادکه سهل است،این‌وابستگـی را امری تلقی‌کرد که‌ناگزیر باید تحمل‌کرد.ازاین دیدگاه،ضرورت یاکسازی دستگاه دولتی،دستگاهی که‌برای‌خدمت بسرمایه‌داری و زمین داری وابسته تشکیل یافته است، نادیده‌گـرفته‌شد. مجازات عوامل‌رژیم گذشته،انتقام‌جوئی وتصفیه حساب ، نامورد شد،که باپاسداران آن احترازکرد.ازگسترش مصادره‌واحدهای تولیدی‌واموال سرمایه‌داران وزمین‌داران بزرك ممانعت بعمل آمد. نفوذ مخرب سرمایه‌داران وزمین داران بزرك وابسته تاحدودزیادی باقی ماند. هیچ‌تدبیر واقدام قاطعی در راه تحرك تولید موسسات‌صنعتی بعمل

جهان سرمایه‌داری با بدبینی وجهان سوسیالیسم باخوش‌بینی به استقبال آینده میروند

در این روزهـا ، در جهان سرمایه‌داری، یك‌اندگرانمیمون در خاطرها زنده شد. در اواخر اکتبرسال ۱۹۲۹ ، روزیکه‌بازار ارز و اوراق بهـادار نیویـورك ورشکستگی خود را اعلام کرد، بحران تـاد پنجـی آغاز گردید. اما امروزهم، پس از گـذشت قریب پنجاهسال، اقتصاد جهان سرمایه‌داری باهمان‌بیماریهاشدت بگریبان است. پدیده های بحرانی، تورم، نوسانات‌بهای ارز،رکود در تولید وبیکاری همچنان پـایه این نظام بهره‌کشی را درتزلزل نگاهداشته است. دراین بخش جهان، بدبینی، عدم‌اطمینان به‌فردا، نگرانی و اضطراب‌در سراسر خطی بوکرشدن، زندگی‌مرفه‌وپرتنعم‌نافذ از زحمتکشان را مسموم میکند.

در ضمن این روز یـادآور رویداد پرجنـبه دیگری هم بود. درست در همان روزیکـه بحران اقتصادی جهان سرمایه‌داری آغاز گردید، اما امروزهم، پس از گـذشت قریب پنجاهسال، اقتصاد جهان سرمایه‌داری باهمان‌بیماریهاشدت بگریبان است. پدیده های بحرانی، تورم، نوسانات‌بهای ارز،رکود در تولید وبیکاری همچنان پـایه این نظام بهره‌کشی را درتزلزل نگاهداشته است. دراین بخش جهان، بدبینی، عدم‌اطمینان به‌فردا، نگرانی و اضطراب‌در سراسر خطی بوکرشدن، زندگی‌مرفه‌وپرتنعم‌نافذ از زحمتکشان را مسموم میکند.

در ضمن این روز یـادآور رویداد پرجنـبه دیگری هم بود. درست در همان روزیکـه بحران اقتصادی جهان سرمایه‌داری آغاز گردید، اما امروزهم، پس از گـذشت قریب پنجاهسال، اقتصاد جهان سرمایه‌داری باهمان‌بیماریهاشدت بگریبان است. پدیده های بحرانی، تورم، نوسانات‌بهای ارز،رکود در تولید وبیکاری همچنان پـایه این نظام بهره‌کشی را درتزلزل نگاهداشته است. دراین بخش جهان، بدبینی، عدم‌اطمینان به‌فردا، نگرانی و اضطراب‌در سراسر خطی بوکرشدن، زندگی‌مرفه‌وپرتنعم‌نافذ از زحمتکشان را مسموم میکند.

در اواخر سال ۱۹۲۹ ، روزیکه‌بازار ارز و اوراق بهـادار نیویـورك ورشکستگی خود را اعلام کرد، بحران تـاد پنجـی آغاز گردید. اما امروزهم، پس از گـذشت قریب پنجاهسال، اقتصاد جهان سرمایه‌داری باهمان‌بیماریهاشدت بگریبان است. پدیده های بحرانی، تورم، نوسانات‌بهای ارز،رکود در تولید وبیکاری همچنان پـایه این نظام بهره‌کشی را درتزلزل نگاهداشته است. دراین بخش جهان، بدبینی، عدم‌اطمینان به‌فردا، نگرانی و اضطراب‌در سراسر خطی بوکرشدن، زندگی‌مرفه‌وپرتنعم‌نافذ از زحمتکشان را مسموم میکند.

در ضمن این روز یـادآور رویداد پرجنـبه دیگری هم بود. درحالیکه جهان‌سرمایه‌داری باهمان‌بیماریهاشدت بگریبان است. پدیده های بحرانی، تورم، نوسانات‌بهای ارز،رکود در تولید وبیکاری همچنان پـایه این نظام بهره‌کشی را درتزلزل نگاهداشته است. دراین بخش جهان، بدبینی، عدم‌اطمینان به‌فردا، نگرانی و اضطراب‌در سراسر خطی بوکرشدن، زندگی‌مرفه‌وپرتنعم‌نافذ از زحمتکشان را مسموم میکند.

در ضمن این روز یـادآور رویداد پرجنـبه دیگری هم بود. درحالیکه جهان‌سرمایه‌داری باهمان‌بیماریهاشدت بگریبان است. پدیده های بحرانی، تورم، نوسانات‌بهای ارز،رکود در تولید وبیکاری همچنان پـایه این نظام بهره‌کشی را درتزلزل نگاهداشته است. دراین بخش جهان، بدبینی، عدم‌اطمینان به‌فردا، نگرانی و اضطراب‌در سراسر خطی بوکرشدن، زندگی‌مرفه‌وپرتنعم‌نافذ از زحمتکشان را مسموم میکند.

انجمن بین‌المللی حقوقدانان دمکرات سیاست تجاوزی و توسعه طلبانه رهبری پکن رامحکوم میکند

ازجانب انجمن بین‌المللی حقوقدانان‌دمکرات هیئتی‌منظور اطلاع یافتن ازعواقب تجاوزچین بوئینام وجنایات‌رژیم‌پوست شاه‌نده چین درکامبوجیا ازاین دو کشور دیدن‌کرد این هیئت‌ازحقوقدانان ایتالیا، لهستان ، ایـالات متحده آمریکا،فرانسه‌وژاپن ترکیب‌یافته بود.در گزارش این هیئت آمده استکه مقصر اصلی اوضاع مشتج درمنطقه جنوب‌خاوری آسیاچین است، زیرا رهبری چین‌نسبت به کشورهای مستقل همجوارد

آیا ۲۵ سال مغرضانه سخن گفتن کافی نیست؟

مورخان آموزش وپرورش تاریخ معاصر ایران را جعل کرده‌اند

پاکسازی کتابهای درسی ازفرهنگ‌فاسد آریامهری، ازآغاز امسال موردتوجه جدی قرارگرفت. کسانی، که هنوز هیچکس اژهویت‌آنها مطلع نشده است ، مامور شدند تابدقت سراسر کتابهای درسی راسم‌پاشی کنند ومحتوای کتابهارا درجهت انقلاب ومردم ایران تغییر بدهند. این‌کسان درمقدمه‌کتابها ماموریت خویش‌را به‌این ترتیب بیان کرده‌اند:

«ماکه کتابهای شمارا فراهم میکنیم، کوشیده‌ایم، تاآنجاکه ممکن بوده‌است، پلیدی‌را ازکتابهای شما پاک‌کنیم وچیزهالی سزاوار شکوه انقلاب وبزرگی‌روح شما درآن بنویسیم».

همین‌کسان ناشناس، درباره آنچه به عنوان پاکسازی‌کتابهای درسی‌انجام دادهاند، نوشته‌اند:

« برای سال‌تحصیلی۵۹ـ۱۳۵۸، تاآنجاکه امکانات اجازه میداد، **تغییراتی** درمتن کتابهای‌درسی داده‌شد، بعضی ازآنها تغییر کلی‌یافته و باازنو تالیف شدند. درسایر کتابهای درسی **اصلاحاتی‌ضروری** بعمل آمد ، که بعلت‌ضیق وقت‌انجام آنان‌درمتون‌کتابها‌بهمین‌گذرید .»

هرکس وقتی‌این مقدمات دلشیوررا میخواند، انتظار داردکه«پاک کردن»کتابها‌ازپلیدی،«واصلاحات ضروری» بمعنای زدودن فرهنگ‌مسموم آریامهری و پاک‌کردن‌کتابهای درسی ازتحریفات ودروغهای‌شریف شده، دردستگاه تیلهنانی ساواک‌باشد .

این انتظار وقتی بیشتر میشودکه صحبت از پاکسازی تاریخ ورکتابهای درسی‌باشد. تاریخی‌که پکسره ساخته و پرداخته ایدئولوگهای «خدایگان آریامهر» است. تاریخی‌که برهمه مبارزان مردم، بویژه درنهم قرن‌گذشته، خط بطلان‌کشیده، چهره تابناک قهرمانان ملی رابه لجن‌آلوده و تنها متعرض عظمت‌شاهنشاهان‌وشاهپرستی ذاتی‌وتاریخی‌ایرانیان» است.

خواننده انتظاردارد. کسانی‌که ماموریت‌خطیر پاکسازی‌کتابهای درسی به آنها محول شده، تا برای دهمیلیون دانش‌آموزایرانی، برای اولین‌بار واقعیات تاریخی را بیان‌کنند، به راستی این‌عمل مهم را انجام دهند. خواننده انتظاردارد، این «کسان» تاریخ‌معاصر ایران را، آنچنانکه بود، برای نسل نوین ایران بنویسند.

این تاریخ ازروزی‌که مهرزارضای‌کرمانی‌ها، طالب‌اوف‌ها ودیگران ندای‌آزادیخواهی سردادند با شاهان وخودکامها وسرمایه‌داران است وجانب دیگری مبارزه‌بی‌امان توده‌های خلق. درجبهه متحد خلق سهم عظیمی ازمبارزه را مارکسیستها برعهده داشته‌اند. آنها با **حیدر عمواوغلی** کمونیست همراه مسلمانان انقلابی درستگرجنگیده‌اند وهنوزهم میجنگند. ازاین سهم عظیم، بخش عمده‌آن یک نام جاودان و پرافتخار دارد، **حزب توده ایران!**

کسانی که مامور پاکسازی کتابها شده‌اند، باید تاریخ معاصر ایران را براین‌زمینه بنویسند، باید بدون حب وبغض، همه رزمندگان راه خلق را ازستار وباقی تاثقه‌الاسلام وفرخی وارانی، ازملک‌المتکلمین‌و روزبه وصدق تا رضایی، پویان وسیاهکل...رابه نسل نوین ایران بشناسانند. آنها هیچنین وظیفه دارند ، نهرهای متفرق اجتماع ایران، از جمله جریان حزب توده ایران را، آنچنان که هست، وبه آنچنان که‌امپریالیسم وارتجاع‌وخیانت‌میخواهد، به‌نوجوانان‌معرفی کنند.

آری ، هر ایرانی وطن دوستی این انتظاررا دارد، اما، کسانی که کتابهای درسی را به‌اصطلاح پاکسازی کرده‌اند، یکسره از بیراهه رفته‌اند. آنها، خواسته و ناخواسته، تاریخ‌معاصر وبویژه‌بخش‌مربوطبه حزب‌توده‌ایران‌را آنچنان‌نگاشته‌اند‌که‌امپریالیسم‌وارتجاع میخواهد. این‌کسان در این‌عرصه چنان تاخته‌اند‌که روی تاریخ نویسان آریامهری را سفید کرده‌اند.

ما در زیر، ضمن مقایسه چند مورد از تاریخ وزارت آموزش وپرورش پس‌ازانقلاب‌ووزارت آموزش وپرورش شاهنشاهی، براساس آنچه در کتاب «محیط‌شناسی»یا‌آنکه‌در«تاریخ ایران»، درپایان‌سال سوم‌دبیرستانها آمده، این تاریخ نویسی مغرضانه را افشاء میکنیم.

تاریخ نویسان دشنام به حزب توده‌ایران را افزایش داده‌اند!

«تاریخ شاهنشاهی» برای سال سوم‌دبیرستان ۲۹۰صفحه بوده، کمبود«تاریخ اختراعی آموزش‌وپرورش بعداز انقلاب»، ایران نزدیک به ۱۰۰صفحه آن را که در تعریف ازرژیم پهلوی بوده، حذف کرده‌اند. دمشان دردنکند.

«تاریخ شاهنشاهی» ۱۸ صفحه خسود به‌اوضاع ایران ازشهریور ۱۳۲۰ تامرداد ۱۳۳۲ اختصاص داده است. تاریخ آموزش وپرورش این‌صفحات رابه ۷ صفحه کاهش داده است.

«تاریخ شاهنشاهی» در دوره مذکور به‌این‌ترتیب اختصاص دارد به ۱ـ تعریف ازشاه خائن ۲ـدشنام به نهضت ملی ایران بسرهبری دکتر مصدق . ۳ـ **چند خط یاوه درباره حزب توده ایران (جمعا ۲۰ خط دارد۱ صفحه)** تاریخ اختراعی آموزش وپرورش بعداز انقلاب ایران در دوره مذکور اختصاص دارد به ۱ـ دشنام به حزب توده ایران و اتحاد جماهیرشوروی (۳صفحه.از ۵صفحه) ۲ـ تعریف ازدکتر مصدق ۳ـ چندخط افشاگری درباره جنایات شاه مخلوع و امپریالیسم.

ملاحظه می‌کنیدکه ماموران «پاکسازی‌تاریخ ایران»، چگونه شاه مخلوع و امپریالیسم‌را از زیر ضربه خارج کرده و حزب توده ایران را جانشین آن کرده‌اند.

۲ـبیست میلیون کشته‌چه‌شد؟

«تاریخ شاهنشاهی» ازصفحات ۲۰۱ تا ۲۰۶ درباره آمدن قوای متفقین به‌ایران وخروج آنها از ایران‌می‌نویسد وتاریخ‌نویسان آریامهر(!) تنها به‌جمل تاریخی خارج نشدن قوای « روسیه ۱۱» از ایران می‌پردازند .

تاریخ اختراعی‌آموزش وپرورش بعدازانقلاب ایران برعکس کلارا از تحریف واقعیات جنگ دوم و حمله به‌شوروی آغاز می‌کند وبی‌آنکه حتی **یک‌کلمه** درباره‌جنایات نازی‌ها‌بنویسد،درصفحه۱۶۷ (روی‌تاریخ‌ـ نویسان طاغوت را پااین جملات سفید میکند، « دولت شوروی که بعداز انقلاب ۱۹۱۷ حکومت‌طراز نوین درآن روی کار میآید، بعداز مرگ لنین، استالین با شگردهائی قدرت را به دست میگیرد و با مقاومت سرسختانه‌ای جنگ را ازآلمان میبرد.»

ملاحظه میکنیدکه جنگ دوم به‌قهرمآلمان و شوروی خلاصه میشود . از دلایل ایجاد جنگ توسط امپریالیستها وفاشیستها وازجنایات فاشیستها در جنگ خبری نیست . از۲۰ میلیون شهید مردم شوروی‌حرفی به میان نمی‌آید . اصولا گفته نمیشود که امپریالیسم مجاهدآلمان، که همه کشورهای نیرومند اروپا را درـ هم‌کوبیده، بود و خیال فتح جهان را داشت، تنها در شوروی بودکه شکست خورد.

تاریخ‌نویسان‌آموزش‌وپرورش نه‌تنها‌این‌حقایق را نمی‌نویسند، بلکه جملهٔ‌ابتدا طوری ادامه می‌دهند که خواننده‌گمان کند شوروی و آلمان برای تقسیم جهان بین خودشان می‌جنگیده‌اند‌و چون شوروی برنده‌شده «... جنگ را از آلمان مهزوم دورگست غرب کشورش برای‌حفاظت ازخویش،جمهوری‌های سوسیالیستی‌آلمان شرقی، چکسلواکی، مجارستان، بلغارستان، رومانی‌و آلبانی را **بنیان می‌نهد»** (ص ۱۶۷ ـ چاپ سال ۱۳۵۸).

تاریخ‌نویسان‌کذائی این‌نهاجهرا ادامه‌میدهند و به‌ایران می‌گذشته، «برای دست‌یابی به‌دریا، آزاد (اقوانوس هندودریای عمان) وبالاالقل‌ایجادیک‌جمهوری سوسیالیستی در آذربایجان ایران، **عوامل خود را وامیدارد** تا در آذربایجان **حزب دمکرات را علم کنند»** (ص۱۶۷ ـ چاپسال ۱۳۵۸). تاریخ‌نویسان شاهنشاهی باهمه تحریف وقیرنگ خود، بازهم چندقدم ازماموران پاکسازی‌عقب‌تر بوده‌اند، «دولت شوروی... عده‌ای‌ازعناصرطون فروش‌وخیانت‌پیشه رامورد حمایت قرارداد» (ص۲۰۷ـچاپ۲۵۳۷).

۳ـ دفاع‌ازدولت شاه‌مخلوع دربرابر قیام خلق‌آذربایجان

تاریخ‌نویسان آموزش و پرورش به تحریف تاریخ، دفاع از دولت شاه مخلوع در قبال قیام خلق آذربایجان ادامه می‌دهند. **آنها قیام خلق‌آذربایجان راعلیه شاه‌خائن، یک‌سره‌توطئه شوروی‌میدانند،** تخلیه ایران را ازقوای شوروی باقیام‌خلق آذربایجان درهم می‌آمیزند ورندانه از «**قوای دولت ایران**» دفاع میکنند، «عوامل این‌حزب بفسرکردگی‌پیشه‌وری درمرداد ۱۳۲۴ **عمارات دولتی** تبریز، مرکزاستان را اشغال میکنند وازطرفی نیروهای شوروی مستقردر ایران سن‌بازان ازایران‌را در سن‌بازخانه‌ها زیر کنترل گرفته وهانع ورود وخروج آنان میشوند وحتی **قوای دولت ایران‌را** در قزوین متوقف میکنند.» (ص۱۶۷ چاپ ۱۳۵۸).

تاریخ‌نویسان‌آموزش‌وپرورش،بلافاصله‌ماجرای آذربایجان را فراموش میکنند وبه تخلیه ایران می ـ پردازند و ناگزیر قطعنامه خونین شاه مخلوع از مردم دلاور آذربایجان را هم فراموش میکنند! چنانچه‌ای که حتی «تاریخ‌نویسان شاهنشاهی» مجبور بودند آن را باین شکل بیان‌کنند، «شاهنشاه درصدد برآمدکه بدفع‌قلهٔ‌آذربایجان وکردستان‌پایان دهدودبه‌همین‌مقصود فرمان حمله به‌آذربایجان را صادر فرمودند و اداره امور عملیات جنگی‌را زیرنظر مستقیم‌خویش‌گرفتند» (ص۲۰۶ ـ چاپ ۱۳۵۵).

۴ـ حزب توده ایران چگونه ایجاد شد؟

تاریخ‌نویسان آموزش وپرورش بعد ازانقلاب ایران، بعد از جمل در باره جنگ دوم جهانی و قیام خلق آذربایجان ، به سراغ جنبش کمونیستی ایران می‌آیند و آنرا‌باین‌ترتیب معرفی میکنند:

«حرکت‌کمونیستی به خاطر آشنائی با فرهنگ اروپای شرقی واقتباس‌آن ومنصوصاً نزدیکی‌باشوروی و سیاست تجاوزطلبی آن!...»

(ص ۱۶۸ ـچاپ ۱۳۵۸)

اگرتوجه‌کنیم‌که این سطور بلافاصله، یعنی ۴ خط بعد از اظهارنظر بسالا درباره ایجاد کشورهای سوسیالیستی وتخلیه ایران توسط اتحاد شوروی نوشته میشود، درمی‌یابیم‌که تاریخ‌نویسان‌محترم چگونه‌درباره ایجاد حرکت‌کمونیستی‌ایران به‌دانش‌آموزان، آموزش می‌دهند وچگونه سیاست اتحاد شوروی راکه پس از اشغال بخش عظیمی از سرزمینش توسط نازی‌ها، با دادن بیست میلیون شهید، دشمن را ازخاک خودبیرون کرده، تجاوزطلب می‌دانند! این آقایان حتی‌اگر تاریخ وپتیاره‌رابنویسند، این کشوررامی‌خواهند‌بخاطر مبارزه‌تاریخی‌اش با امپریالیسم آمریکا تجاوزکارخواهند خواند!

حالا بدنیست نظر«تاریخ نویسان‌شاهنشاهی» را درباره حزب توده ایران بیادآوریم تا باقایسه‌معلوم شودکه‌بازهم طاغوتیان تاریخ‌نویسی روسفیدند، «جمعی ازافرادی‌که دارای عقایدکمونیستی بودند و در زندان به سرمیبردند، آزاد شدند. این‌عده هسته اولیه حزب سیاسی جدیدی را به‌نام حزب‌توده به وجودآوردند ودر مهرماه ۱۳۲۰ موجودیت خود را اعلام و **هدف‌خود را مبارزه با قاشیسم عنوان نمودند.»**

(ص ۲۰۷ ـچاپ ۱۳۵۵)

«تاریخ نویسان آریامهر» زیر بار واقعیات تاریخی **اداءمیدهند، «عده‌ای ازطبقات‌روشنفکر که تشنه اصلاحات عمیق اجتماعی واقتصادی بودند، عضویت آن را پذیرفتند. حزب توده‌متشکل‌ترین و نیرومندترین حزب سیاسی آن عصربود.»**

(ص ۲۰۹ ـماخذ بالا)

خواننده، ملاحظه میکندکه«تاریخ شاهنشاهی» اذعان دارد‌که **کمونیست‌های ایرانی، حزب توده ایران** رابه‌وجود آوردند و تاریخ آموزش وپرورش رندانه آن‌رابه‌اروپای شرقی‌وشوروی نسبت‌میدهد.

۵ـمخالفت‌حزب‌توده‌ایران‌با شاه خائن«جرم» است!

تاریخ‌نویسان آموزش و پرورش باز هم به «پاکسازی» تاریخ ادامه میدهندودر این‌راه متاسفانه کارشان‌بدفاع ازشاه خائن میکشد.

خوانندهٔ فراموش‌نکند که سطور زیرین ازتاریخ طاغوتی‌نقل‌نمیشود، اینهاعین‌جملات‌کتاب درسی پاکسازی‌شده(!) آموزش وپرورش بعداز انقلاب ایران‌است.

«تابهمین ۲۷،که درآن‌ازجانب یکی‌از افراد حزب‌توده‌به محمدرضا پهلوی سوءقصد می‌شود، آزادی نسبی‌ای وجودداردو‌ازاین‌تاریخ به‌این‌**سبب‌که حزب ازرویه تبعیت‌وحمایت میکرد** و در جریانات آذربایجان نقش‌مهمی بعهده داشت‌وخلاصه‌**به‌مخالفتش وسوءنیتش شکی‌نبود**، این‌حزب‌غیرقانونی‌میشود و مهروده‌که اختناق ومأمورد‌ارتوآغاز شود.»(ص۱۶۸ ـ چاپ۱۳۵۸)

مگرزندانه‌تر ازاینهم‌میشود از شاه خائن دفاع کرد؟

اگر تاریخ‌نویسان محترم‌می‌نوشتند که **لخت‌وبزرگ‌شده، ساعد، جیره‌خوارشاه‌خائن و سرسپرده‌امپریالیسم** بود، آن‌وقت برای خواننده روشن‌میشد که‌حزب‌توده‌ایران باساعدمزدوروشاه‌خائن مخالفت میکرد.

ما هم میگوییم‌که‌بله، حزب توده‌ایران با شاه خائن و دولت دست‌نشانده‌اش مخالف بود.این‌آیا اجرم‌است؟ **اگرمخالفت با شاه خائن جرم نیست، که نیست، این‌تاریخ‌نویسان محترم چه‌کسانی هستندکه با آوردن جمله: « خلاصه به‌مخالفتش وسوءنیتش شکی‌نبود»، درواقع مخالفت‌باشاه‌خائن‌را‌جرم‌ دانسته‌اند ومجازاتش راهم‌غیرقانونی‌کردن‌حزب توده‌ایران!؟**

ازخواننده میخواهیم‌که اظهارنظر بالا رابا نظر« تاریخ نویسان آریامهر» مقایسه کند. «تاریخ شاهنشاهی» درباره باصطلاح غیرقانونی کردن حزب توده ایران مینویسد:

«چون بموجب اسناد ومدارک‌کشف‌شده بدولت معلوم شدکه نقشه سوءقصد ۱۵ بهمن توسط‌حزب‌توده طرح‌ریزی شده بود، لذا دولت حزب‌مزبوررا منحل‌و غیرقانونی اعلام داشت.» (صفحه۲۱۰ـچاپ ۱۳۵۷)

تاریخ‌نویسان آموزش‌وپرورش این اظهارنظر را بادلایلی چون‌تهمت‌ازدرمویه» یاوخالت درجریانات آذربایجان ومخالفت وسوءنیت« کامل‌گ ـرده‌اند تا بدینوسیله ازخیانت شاهانه دفاع‌کنندوآب‌تطهیر برسر یانی این‌جنایت‌بریزند.

تاریخ‌نویسان محترم‌اگر کمی توجه میکردند درصفحه ۲۱۰ کتاب تاریخی،که مثلا آنرا «پاکسازی کرده‌اند، اعلامیه دولت شاهدرا درباره همین ماجرا

بقیه درصفحه ۵

■ **ماموران «پاک‌سازی کتاب‌های درسی»، در کتاب تاریخ سال سوم دبیرستان رندانـه از شاه مخلوع دفاع کرده‌اند.**

اخبارکارگری

کارخانه نساجی‌قائم‌شهر درشرف تعطیل است

بنابه‌گزارشهای رسیده، مواد اولیه‌کارخانه نساجی‌شماره ۱ قائم‌شهر درحال تمام شدن است وشرکتهای‌خارجی‌که با این‌کارخانه قرارداد بسته بودند، حاضر نیستند بر طبق شرایط قبلی به این کارخانه مواد بفروشند. و درصورتی‌که مواد حاضر درکارخانه تمام شود، کارخانه با خطر تعطیل روبرو است، که این باعث بیکاری حدود ۱۸۰۰ کارگر این کارخانه می‌شود.

هرچنین درآینده نزدیک قرار است‌که‌کمتر از۵۰۰نفر از کارگران قدیمی‌را، که سال‌ها دراین کارخانه‌کار کرده‌اند و اکنون پیرمردان شکسته‌ای‌شده‌اند، بازنشسته کنند. مقدمات‌آن‌فراهم شده، ولی‌هنوز بآنها ابلاغ نگردیده است.

کارگری‌را پس‌از دوروز غیبت موجه ازکار اخراج کرده‌اند

یکی ازکارگران کوره‌آجرفشاری پاکا ، نزدیک شهراز، با دوسال سابقه کار برای بستری‌کردن فرزند بیمارش دوروز درسر کار حاضر نمی‌شود. بعداز مراجعت متوجه می‌شودکه از کار اخراج‌شده وشخص دیگری‌که بنابه‌اظهار این‌کارگر ازبستگان مسئولان کوره است، به‌جای‌اوگذاشته شده‌است. دفترداربهاورا فریب داده وکاغذی را به عنوان‌پاداش به‌امضای اومی‌رساند، که بعداً متوجه می‌شودبا امضای این‌کاغذ، تمام حقوق ومزایای ناشی‌از ۳سال سابقه‌کار رااز خود سلب‌کرده وازکار اخراج شده است .

رانندگان‌آجرفشاری رحمان‌ستایش حق‌اولاد،حق مسکن ومرخصی با حقوق میخواهند

رانندگان‌کوره آجر فشاری رحمان ستایش، که پیمانکار کارخانه‌مهمان است‌وسنگ‌وگچ این‌کارخانه را تهیه می‌کند، خواهان دریافت حق‌اولاد، حق‌مسکن ومرخصی باحقوق هستند.

این‌کارگران موفق شده‌اند بعد از دوندگی‌های زیاد به کارفرما بقبولاندکه باپذیرفت‌کار در روزهای تعطیل، حقوق اضافی دریافت کنند. البته این کارگران هنوز حق اضافه کاری را برای روزهای تعطیل که معادل ۳۵٪ حقوق است، دریافت نمی‌کنند. کارگران به‌این‌تأخیر طولانی معترض بودند.

سابقاً گزارشی ازکارگران این‌کوره در «مردم» داشته‌ایم‌که طی آن ، کارگران کوره آجرفشاری رحمان ستایش واقع درکوار خواهان برابری حقوق خود بادیگرکارگران کوره‌های مشابه شده بودند.

به‌کمیته مرکزی حزب توده‌ایران

دوستان‌گرامی !

بنام «کمیته همبستگی با ایران درجمهوری فدرال‌آلمان» می‌وششهمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران‌را بشماتهنیت میگوییم. حزب توده ایران از بدو تأسیس تا امروز پیوسته باامیال وآرزوهای مردم ایران‌را بشماتهنیت میگوییم. حزب توده ایران از دیرباز مرکزی حزب توده ایران‌را بشماتهنیت میگوییم. رسانده‌که یک حزب رزمنده ضدامپریالیست و قابل‌اعتماد است . حزبی‌است‌که برای رسیدن به آرمانهای والای دمکراسی، صلح و پیشرفت اجتماعی غیرو مهکند و چه بسیاردند آن اعضاء شماکه در این نبرد جان باختهاند. شهدای حزب شما درنبرد علیه رژیم پر ـ مرمش شاه، از بهترین فرزندان خلق ایران بودند. و امروز نیز حزب شما در کنار دیگر نیروهای ضدامپریالیست، بخاطر آینده انقلاب قهرمانانه، ضدامپریالیستی ودمکراتیک‌خلق ایران وتعمیق این انقلاب، باضدانقلاب وارتجاع‌وعلیه تمام تشبثات، که میخواهند چرخ تاریخ را بعقب بازگردانند، در نبرد است.

امپریالیسم جهانی‌ودررأس‌آن‌امپریالیسم امریکادرصدد‌نوشیم عروسک دست‌آن، دشمن خونین مردم ایران‌اند. آنها بااستفاده ازهر وسیله‌ای از تزور، باپکوت‌وافترا گرفته تا کوشش برای ایجاد تفرقه وبرهم زدن اتحاد مردم ایران وشیعه‌ای هدفشند از عناصر ضد انقلابی و ارتجاعی وتهدید به مداخله مستقیم نظامی‌میخواهند انقلاب ایران وتمام‌دستاوردهای بزرگ آن‌را‌نابودکنند. برای‌انجام این‌نقشه استراتژیک، نقش ویژه‌ای نیز بعهده امپریالیسم آلمان غربی نهاده شده است.

از اینرو مابایدتوانی رزمنده وبی‌پایان خودرا ازشما وتمام سازمانها، نیروها ورزمندگان ضدامپریالیست و دمکرات ایران اعلام میداریم. ماازاین‌پس بیش ازپیش‌افکار عمومی‌را‌ازموقعیت‌ـ های انقلاب، فداکاریهای مردم ایران وبهترین فرزندان ایران‌خلق، حزب توده ایران، مجاهدین خلق، اتحاد دموکراتیک مردم ایران، اتحادیه‌های کارگری وروحانیان مبارز و پیشرو ایران و ضد امپریالیستهای‌بیشمار دیگر آگاه‌خواهیم‌ساخت.

ماهمکاری خودرا باشما وباتمام نیروها و سازمانهای ضد امپریالیست دیگر در ایران تقویت خواهیم‌کرد. مااین گام‌را‌بر اساس ایجاد وحدت بین‌تمام‌نیروهای دموکرات آلمان فدرال‌برای دفاع از انقلاب ایران برمیداریم وامیدواریم بتوانیم در آینده‌ای نزدیک شاهد وحدت تمام نیروهای دمکراتیک ایرانی نیز باشیم.

ـ جاودان‌باد خاطره تابناک‌شهیدان انقلاب ایران.

ـ زنده‌باد جبهه متحد همه‌مردم، ضدامپریالیست، دمکراتیک ترقی‌خواه علیه امپریالیسم و مقایسه کند. «تاریخ شاهنشاهی» درباره باصطلاح غیرقانونی کردن حزب توده ایران مینویسد:

ـ زنده‌باد انقلاب کبیر مردم ایران!

ـ برقرارباد همبستگی بین‌المللی!

ازطرف «کمیته همبستگی باایران‌درجمهوری فدرال‌آلمان»
سخنگو، میشائیل اوپرزکالسکی

اسرائیلی‌ها در رودزیا

مقامهای دولت موزامبیک اعلام‌کردندکه درجریان حمله سن‌بازان دارودسته «موزوروزآ ـامبو» به موزامبیک، چند پل ویران شده ومقادیر زیادی محصول کشاورزی نابود شده است. بنا اینهمه نیروهای مسلح موزامبیک و مردم این‌کشور ضربات قاطعی به نیروهای متجاوز روزیائی وارد‌کردند. دوهواپیمای روزیائی که خلبانان اسرائیلی هدایت‌آنها را بعهده داشتند، برفراز خاک موزامبیک سرنگون شدند. همچنین پیش‌ازیکهفته سن‌باز روزیائی درجریان جنگ‌ودرداخل‌موزامبیک کشته‌شدند و بیست وودو نفردیگر به اسارت درآمدند.

«مردم»
ارگان‌مرکزی
حزب توده ایران

تلفن،خیابان۱۶ آذر،شماره۶۸
۹۳۵۷۲۸و۹۳۴۲۵۹

چاپ، کاویان

کتاب تازه

مارکس، انگلس، و لنین
درزندگی‌خصوصی

گردآورنده، ومترجم:
مریم فیروز
از انتشارات
حزب توده ایران

مردم ما فریب انگلیسی ها را نمی‌خورند

مردم ما ضرب‌المثلی دارند، که می‌گویند: «همه‌کارها درین سر انگلیس‌هاست». این‌مثل‌بازگوی یک تجربه دیرسال‌است، تجربه‌ای که درآن امپریالیسم غارتگر و جیله‌گر انگلیس با چکمه‌های آغشته به خون هزاران ایرانی، چون‌جوان‌گرسنه‌ای‌فریادمیکشد وجان و ثروت ملت ما را طلب می‌کند.

این‌مثل عمیق‌که عمومیت یک تجربه تاریخی‌درآن متبلورشده، ماهیت‌فریبکار امپریالیسم‌انگلیس را هم بیان‌می‌کند. امپریالیسمی که درجوارخشونت و بیرحمی‌خود به کهنه‌ترین سلاح‌های فریب و نیرنگ، مسلح‌و به قول مردم‌ما، آب زیر کاه است.

مردم‌ما، هردفت‌که‌این مثل را برای هم بازگو میکنند ، امپراطوری‌اقتدرقدرت « انگلیس را بخاطر ماآورد‌ند که از زمان صفویه در ایران رسوخ کرد و تا چند سال پس از شهریور ۲۰، امپریالیسم مسلط در ایران بود. دراین مثل، غارت‌نفت، سرکوب وحشیانه کارگران نفت، توطئه روی کارآوردن رضاخان،قتل و شکنجه مردم و سرکوب جنبش آزادیبخش‌ما ، هرلحظه‌فریاد می زند. مردم ما، حتی‌یک‌لحظه هم فراموش نمی‌کنندکه هرچند بعد از غروب‌آفتاب در امپراطوری انگلیس،سرما‌په‌داران این کشور، جای خود را به همپالکی‌های آمریکائی‌دادند، اماازیمان‌نرفتند وتا سرنگونی رژیم شاه مخلوع را بخاطر ماآورد

آفرین!

راه‌حل مسائل کشاورزی همین است!

با مسرت فراوان اظهارات دیروز «آیت‌اله آقای دکتر باهنر عضو شورای انقلاب درباره حل مسئله زمین را طی یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار «اطلاعات» خواندیم. مواضعی که دکتر باهنر درمورد ازبین رفتن زمینداری بزرگ وحل‌مسئله بسود دهقانان برزمین وکم‌زمین اعلام داشت، مواضعی است که ما با نهایت قدرت و بطور کامل ازآن پشتیبانی میکنیم، زیرا خود ما سالهای سال است دراین راه مبارزه کرده ومیکنیم. اینك واقعاً هم بامسرت فراوان مشاهده میکنیم که عضو مؤثر شورای انقلاب، درست برعکس آنچه وزیر کشاورزی دولت موقت در دفاع از زمینداران بزرگ و مالکان ودر دفاع از «اصلاحات ارضی ملوکانه» و برضد منافع دهقانان زحمتکش میکفت ومیکرد، موضعی بسود میلیونها دهقان میگیرد وراه تأمین مالکیت فردی وتعاونی واجتماعی آنهارا نشان میدهد. این بسود انقلاب است وبه گردآوری میلیونها ایرانی مستضعف برای پیشبرد امر انقلاب کمك مستقیم میکند.

آقای دکتر باهنر در بارهٔ قانون «نحوه زمینداری» که آقای ایزدی وزیر به‌سفر رفته کشاورزی تهیه کرده‌بود، میگوید:

«ما ازهمان اول هم نتوانستیم به مجموع طرحهائی که قبلا ارائه میشد، نظر مساعد بدهیم».

دهقانان ایران درهمه جای کشور وکارشناسان مسائل ارضی در سمینار مسائل کشاورزی و روزنامه «مردم» نیز در مقالات متعدد خود، جوانب متعدد منفی وضد دهقانی و ارتجاعی این قانون را برملا ساخته و مخالفت صریح خودرا با آن اعلام داشته بودند. شورای انقلاب وآقای دکترباهنر بدرستی و بجا برروی یك کار خطا و بسیار خطرناك وزارت کشاورزی خط بطلان میکشند و بالاتر ازآن، برنامه روشن و درستی‌را، که باخواستها و نظریات‌ما نیز مطابقت دارد، عرضه میدارند.

آقای دکترباهنر درگفتگوی اختصاصی خود میگوید:

«هدف اینست که کسانی‌که روی زمین کار میکنند، آنها هم صاحب زمین باشند، مالك زمین باشند ودرواقع بیشترین‌سهم به‌همان کشاورز داده شود واراضی موات هم در اختیار کسانی قرار خواهدگرفت که بتوانند مستقیماً روی‌آن زمین‌ها کار بکنند واگر سرمایه‌یی هم برای‌احیاء این زمین‌ها نیاز باشد، آنطورکه پیش‌بینی شده، این سرمایه باید از بودجه عمومی در اختیار کشاورزانی قرارگیردکه خودشان روی زمین کار میکنند.»

این هدفی است کاملا درست، مشروع، انسانی، مطابق با منافع میلیونها دهقان زحمتکش وبا منافع کشور ما.

برای حزبی‌که سی‌وهشت سال است همین اصل منافع طبقاتی زحمتکشان روستاها ومصالح واقعی وعمیق اقتصادی کشور را در سرلوحه سیاست دهقانی وکشاورزی خود قرار داده، بدیهی است‌که با مسرت به‌چنین موضع‌گیری درستی تهنیت‌گوید.

ما همانقدر که روش ضد دهقانی و ضد انقلابی وزارت کشاورزی را طی هشت‌ماهه اخیر در دوره پس‌از انقلاب عجیب و غلط میدانستیم و مخالفت خودرا با آن ابراز میداشتیم، همانقدر هم اتخاذ این روش جدید علیه زمینداران‌بزرگ و بسود دهقانان زحمتکش را برای دوره انقلابی کنونی بدیهی و طبیعی ومطابق با ماهیت و خصلت انقلاب میشمریم وبا آن موافقت خودرا ابراز میداریم.

براساس **حق دهقانان برزمین**، که حامی انقلاب و از صاحبان این‌کشورند، و براساس از بین رفتن زمینداری بزرگ غارتگر، که پایگاه ضد انقلاب است، باید مسائل ارضی کشور حل شود. شورای‌انقلاب دراعلامیه شماره۲ خود این نکته عمده گرهی را اعلام‌داشته وآقای **دکترباهنر** هم دیروز جوانب مختلف آنرا با دقت بیان‌کرده است.

همه میدانیم‌که اراضی وسیع و مدرن سرمایه‌داری طی سالهای اخیر ایجاد شده و به‌قیمت سلب مالکیت از دهقانان و گرفتن منابع خاك‌وآب‌کشور و سوءاستفاده ازمنابع مالی واعتباری دولت مشتی زمیندار بزرگ، چه از خانواده شاه مخلوع واعوان و انصارشان وچه ازسایر بزرگ‌مالکان واحدهائی ایجادکرده‌اند که درسطح نوینی ازتکامل فنی‌کشاورزی است. دراین موارد هم باید البته به‌دزدی و غارتگری زمینداران پایان داده شود.

ولی با این واحدها چگونه باید رفتارکرد؟ آیا تقسیم ساده حلال مشکل است وسودی برای دهقانان وبرای اقتصاد سالم کشاورزی دارد؟ ما بارها گفتیم‌که موارد متعددی است که باید مسئله را بطور مشخص بررسی‌کرد و بنا به خصلت تولید و زمین و منطقه ونوع کشت وآبیاری وغیره، بجای یك تقسیم ساده، و سطحی، باید واحد تعاونی ویا دولتی ایجادکرد. ولی در هرحال صاحب سرنوشت و اداره‌کننده واحد باید همان‌دهقانان باشند، که درواقع صاحب نه‌فقط زمین، بلکه تأسیسات مختلف نیز هستند و بطریق تعاونی ویا درموارد ویژه بطریق واحدهای متمرکز دولتی با حق اداره و نظارت شورائی، صاحب و حاکم برسرنوشت واحد ومحصول آن هستند.

درهمه این موارد اصل، زدودن کامل زمینداری بزرگ غارتگر و شیوهٔ بهره‌کشی سرمایه‌داری وابسته در روستاهاست. اصل، منافع حقه و بی‌چون وچرای دهقانان تهیدست بی‌زمین و کم‌زمین و برزگران و سایر زحمتکشان ده است.

اکنون نیز **آیت‌اله دکترباهنر**، عضو شورای انقلاب، میگوید:

«درمورد زمینداری بزرگ و اراضی وسیعی که دراختیار افراد هست جهت کار شورای (انقلاب) و هدفش اینست که بتواند بتدریج زمینها را دراختیار کسانی بگذارد، که رویش‌کار میکنند.»

وی درباره مراحل اجرائی ولایحه مربوطه با توجه به امکانات صحبت‌کرده و میگوید:

«جهت کار درزمینه حل مسائل کشاورزی اینست که **ما بتوانیم زمین‌را دراختیار کسانی بگذاریم‌که روی آن کار میکنند.**»

میتوان‌گفت: آفرین! همین است راستای واقعی حل مسائل کشاورزی. اگر درهمین راستا، پی‌گیر و قاطع به پیش رویم، گام بسیار مهم اول را درست برداشته‌ایم و خواهیم‌توانست مسائل بغرنج کشاورزی را بتدریج و مطابق با امکانات و شرایط و مشخصات ویژه، بکوری‌چشم بهره‌کشان و زورمندان وارباباب، بکوری چشم ضد انقلاب، حل‌کنیم.

آقای **دکترباهنر** میگوید: «چون ممکنست اداره قطعات کوچك توسط تك تك افراد بطور مستقل مشکل باشد، آنوقت است‌که **تعاونی‌هائی** تشکیل میشود، تا کسانیکه صاحب قطعات کوچك هستند، بتوانند **مشترکا واحدهای وسیعتری** بوجودآورند، که امکانات‌فراهم‌کردن ابزارتولید، تراکتور و امثالهم وبازاریابی بهتر باشد.»

همانطورکه درطرح قانون اساسی جمهوری اسلامی‌ایران پیش‌بینی میشود، نظام اقتصادی کشور دارای سه بخش دولتی و تعاونی و خصوصی خواهد بود. پیشنهادهای حزب ما نیز درهمین جهت بوده وما درمورد مالکیت زمینها نیز قائل بوجود این سه بخش بوده وهستیم، باتوجه به حفظ و حمایت و پشتیبانی از دهقانان صاحب بهره‌برداریهای خانوادگی، بنظرما لازمست که برای‌استفاده ازفکنیك‌تازه وامکانات جدیدکشت وداشت‌وبرداشت و برتریهائی که مزارع وسیع ازنظر اقتصاد کشاورزی، بخصوص درمورد انواع ویژه‌ای از محصولات و درنواحی‌ویژه‌ای ازکشور، فراهم می‌آورد، ازاشکال مختلف تعاونی نیز حداکثر استفاده‌را بسود کشور و بسود خود دهقانان بنمائیم.

همه این نکات بصورت مشخص و منجز در گفتگوی اختصاصی مزبور نیز بیان شده ودرواقع برنامه ارضی و دهقانی شورای انقلاب را در توضیح اعلامیه شماره۲ عرضه میدارد.

ما صمیمانه با این اصول **درست‌وانقلابی** که باز تکرار میکنم درجهت عکس سیاست زیانمند وضد دهقانی هشت‌ماهه‌اخیر وزارت کشاورزی‌بوده، موافق‌هستیم. برنامه‌شورای‌انقلاب، بنحوی‌کلی‌در بیانات **آیت‌اله دکترباهنر** عرضه شده، برنامه درستی است.

این‌چنین برنامه‌ای میتواند بسیج‌گر باشد. میلیونها دهقان، که منافع حیاتی ومسلم خودرا با آن مطابق می‌بینند به حمایت از آن، به**حمایت از انقلاب**، برمیخیزند. هزاران‌کارشناس میهن دوست وبشردوست ده‌ها‌هزار فرد علاقمند به‌کشاورزی و وارد به اهمیت حیاتی این‌رشته دراین اقتصاد و سیاست‌کشور، به‌حمایت از آن برمیخیزند. جبهه انقلاب با**اجرای** چنین برنامه‌ای‌نیرومندتر وشکست‌ناپذیرتر میشود. این برنامه‌را باید **قاطعانه‌اجراکرد.**

مراسم یادبود افسران شهید توده‌ای در تبریز

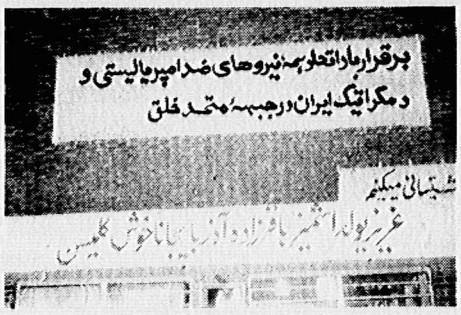

روز پنجشنبه ۱۷ آبان ۱۳۵۸، مراسم یادبود گروه‌سوم افسران‌شهیدتوده‌ای مرکب‌ازرفقا:

سرهنك دوم امیرافشار بکشلو، سرهنك‌محمدجلالی، سرهنك‌دوم‌کاظم جمشیدی، ستوان یکم باقر واله، سرگرد جعفر وکیلی

در تبریز برگزارشد.

از چندروز پیش، آفیش‌های مربوط بمراسم در شهر و در دانشگاه پخش شده‌بود. محل برگزاری مراسم سالن ورزش دانشگاه تبریز بود. سالن باعکسهای رفقای شهید، که در کنار هریك شاخه گلی قرارداشت، و همچنین شعارهایی بزبان فارسی و آذربایجانی تزیین شده بود، ازجمله:

ـ سفارت آمریکا، این لانه جاسوسان، تعطیل باید گردد.

ـ لغوقرارداد دوجانبه نظامی‌ایران وامریکا پیروزی‌بزرگ مردم ایران است.

ـ درود بر کمیته مرکزی‌حزب‌توده‌ایران

ـ جاودان بادخاطره‌تابناك افسران شهید توده‌ای

درساعت ۴ر۱۰ دقیقه بعدازظهر، مراسم‌باخواندن‌سرودحزبی و باحضوررفقا **انوشیروان ابراهیمی** عضوهیئت سیاسی ودبیرکمیته مرکزی‌حزب‌توده ایران‌و**ابوتراب باقرزاده** عضوهیئت‌سیاسی‌کمیته مرکزی آغاز شد.

نخست‌پیام سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران ـ تشکیلات آذربایجان خوانده‌شد، دراین‌پیام ازجمله‌گفته میشدکه، «خون شهیدان توده‌ای وهزاران شهید دیگر راه استقلال و آزادی میهن ما پشتوانه‌واحدعزم همه توده‌ایها وهمه‌انسانهای ترقی‌خواه‌در راه تحکیم دستاوردهای انقلاب، درجهت تضمین و گسترش انقلاب ضدامپریالیستی و دمکراتیك، بسوی جامعه‌ای آزاد و مترقی خواهدبود.»

پس‌ازآن‌رفیق **اصلان‌زاده** قطعه‌شعری‌رابزبان آذربایجانی، بنام «ارك‌قلعه‌سی»، وقطعه‌شعری‌رابزبان فارسی‌بنام «بفردا» خواند. شعرفوق‌شهید **سرگردجعفروکیلی**، بنام «اگرای مردك‌نامرد» نیز خوانده شد وآنجا که میگوید، «بهشیاری حزب پدرم باد درود»، درمیان کف‌زدن پرشور وطولانی حضارغرق‌شد.

آنگاه رفیق **ابوتراب باقرزاده**، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، آغازسخن‌کرد. وی‌ازجمله گفت، «حزب ما همچنان، راه خود را، که همانا روشن‌کردن ومجهزکردن وتشکل توده‌های زحمتکش، راه اتحاد و همکاری با همه نیروهای راستین ملی‌وخلقی‌درمبارزه برای تثبیت و تحکیم وگسترش دستاوردهای انقلاب، راه دوستی وبهم‌پیوستگی‌همه خلقهای ساکن‌ایران درچهارچوب دفاع ازتمامیت‌ارضی واستقلال و آزادی ایران، راه بهبود بنیادی شرایط زندگی زحمتکشان میهن ما است ادامه میدهد تا پیروزی.»

رفیق **ابوتراب باقرزاده**، با یادآوری سوگند رفیق شهید **مختاری**، که قبل ازتیرباران به دیوارسلول انفرادی زندان قصر با ناخن‌کنده بود، «**ای حزب من بتوسوگندکه افتخارعضویتم‌را به وعدهٔ پوچ دژخیم نفروشم. درد ورنج وشکنجه زندان مهر ترا درقلبم افزون‌کنند**» درپایان سخنان خود گفت:

«ما هم سوگند می‌خوریم که به راه شهیدان وفادار بمانیم وازهیچ تلاشی برای نیل‌به آرمانهای انسانی‌وملی و توده‌ای‌خود فروگذارنکنیم وازانقلاب بزرك وشکوهمندمان تا پیروزی قطعی‌ونهائی دفاع نمائیم ودر راه تشکیل جبهه متحد خلق، با پشتیبانی ازمشی‌ضدامپریالیستی وخلقی امام خمینی، با تمام نیروکوشا باشیم، تاامپریالیسم وارتجاع‌وضدانقلاب را ازبیخ وبن برکنیم».

حضار با شعار «**درود برکمیته مرکزی حزب ما**»، و «**زنده باد جبهه متحدخلق**» رفیق باقرزاده را بدرقه کردند.

سپس رفیق کارگر، ذوالفقار، شعری بزبان آذربایجانی خواند. آنجا که‌گفته میشد، «**حقیقت اینست‌که من سربازی از وطن درحزب توده ایران هستم**»، جمعیت را بوجدآورد رفیق ذوالفقار شعردیگری نیزدرتجلیل ازانقلاب‌کبیرسوسیالیستی‌اکتبر خواند.

رفیق‌کارگر، شهرك، نیزچند قطعه شعر بزبان آذربایجانی قرائت‌کرد.

مراسم یادبود افسران شهید توده‌ای در تبریز باشعارهای زیرین‌که باشوروهیجان بسیار ازجانب حضار داده میشد، پایان یافت:

ـ امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم امریکا، نابود بایدگردد

ـ این شاه‌آمریکائی، درپیش پای ملت، اعدام بایدگردد

ـ امریکا، اسرائیل ننك به نوکرانتان

خون شهیدان‌ما، موچکد از چنگتان

ـ زنده باد جبههٔ متحد خلق‌ما

ـ درود برکمیته مرکزی حزب‌ما

یاسرعرفات: پیروزی‌سوسیالیسم دراتحادشوروی، پیروزی ملت فلسطین نیز هست

خبرگزاری وفا اطلاع‌میدهد که، برادر ابوعمار(یاسرعرفات) رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین وفرمانده‌کل نیروهای انقلاب فلسطین،بمناسبت شصت‌ودومین‌سالگردانقلاب‌اکتبر پیام تبریکی‌برای لئونیدبرژنف رهبراتحاد شوروی‌ودبیرکل‌حزب کمونیست‌آن‌کشور ارسال داشت. برادر ابوعمار درین تلگرام‌چنین گفته‌است،

برای من‌مایه افتخار است که بمناسبت انقلاب پیروزمند اکتبربشما وملت شوروی تبریك بگویم‌دردروهای‌گرمم راکه‌نشانه دوستی‌عمیق بین‌ملل‌اتحادشوروی سوسیالیستی‌تحت رهبری شما و ملت فلسطین است بشما تقدیم دارم. پیروزی انقلاب اکتبر به رهبری ولادیمیرلنین نقطه عطفی درتاریخ جهان است. آن‌کشور سوسیالیستی که‌شما آنرا براساس خط مشی لنین رهبری میکنید، کشوری است معجزه‌گر، چه این کشور بود که‌فاشیسم‌را درهم‌شکست و یاور ملتهای ستمدیده گردید و همکاری با جنبش‌های آزادیبخش درجهان را درپیش گرفت. امروز ملت ما با جنك وآتش‌روبروست و ما هرگز فراموش نمی‌کنیم که شما نخستین کسی بودید که همبستگی‌خود را با انقلاب فلسطین اعلام‌کردید و در برابر نقشه‌های امپریالیسم وصهیونیسم وارتجاع، که قصد نابود کردن انقلاب فلسطین راداشت، درکنار ما ایستادید. ملت فلسطین‌دراین جنك تا نابودی صهیونیستها، به سرکردگی امریکا، پیش‌خواهدرفت زیرا ما اعتقاد داریم که نیروها آینده سازاست.

ماهدفی‌جز بازگشت به سرزمین خود نداریم و همواره‌کمك وامداد برادران‌سوسیالیست‌دوست خودرا و نیزکمکهای‌اتحادشوروی را مغتنم میشماریم. فرصت‌رافتنمیمشماریم وبمناسبت پیروزی‌هائی که درجهت استحکام نظام‌سوسیالیسم در کشورتان که پیروزی ملت فلسطین،ملت‌دوست شما نیزهست، بشما تهنیت میگوئیم.

شلتاق این دزد، خلقی بپاخاسته وگریبانش را سخت گرفته است. هیچ تشبث وتلاشی دیگر اورارها نخواهد ساخت. هیچ‌توطئه‌ای نیز در ایران‌دیگر بکار نخواهدآمد.

خلق انقلابی‌ما هشیار است، توطئه‌ها را، یکی پس از دیگری خنثی‌کرده وخواهد کرد. انقلاب ایران پیروزخواهد شد. گانگستر بین‌المللی باید لانه‌جاسوسی دوز توطئه خودرا در ایران بسرچیند وآنرا به‌سفارت تبدیل کند. نخستین گام در این راه استرداد «آریامهر» است.

ولی امپریالیسم‌یانکی نمی‌خواهداین‌خواست‌خلق‌مارابرآورده سازد واین‌حق ایران را بشناسد. اوتقلا میکند. اومیخواهدمسئله‌ای را، که ابداً بشورای امنیت‌سازمان ملل متحد ربطی ندارد دردستور جلسات این‌شورا قرار دهد. او میخواهدبا شکستن قوانین‌جاری درایالات متحده امریکا، تظاهرات دانشجویان‌ایرانی‌را، که خواستار استردادشاه‌مخلوع‌اند، قدغن‌کند. او درصدد است جوانان ایرانی طرفدارانقلاب ایران‌درایالات متحده تحت‌فشارقرارردهد.

اودرصدد «محاصره» اقتصادی ایران‌است.

اوتقلا میکند، ولی این‌تقلا عبث‌است.

او چاره‌ای جز تحویل شاه مخلوع ندارد. گانگستربین‌المللی باید «مأموراپرانی» خودرا تحویل دهد.

تبلیغات ضدایرانی امپریالیسم امریکا را خنثی کنیم

بقیه ازصفحه ۱

خونخواری است که درخدمت‌این گانگستربین‌المللی بمدت‌بیش‌از یکربع قرن ایران مارا یکسره بخون کشیده، هستی‌ما را برای ارباب یانکی یکسره تاراج‌کرده است؟

واما امریکادرایران«سفارت» داشته است بالانه جاسوسی و دژ توطئه؟ کجا این امریکا «سفارت» دارد؟ مگر همه «سفارتخانه های» امریکا، حتی درکشور های متحد نزدیکش، جاسوسخانه ومرکزتوطئه وترور وآدمکشی نیست؟

مشتی «تروریست، ریخته‌اند و «سفارت»را اشغال‌کرده‌اند؛ دزد دربازار فریاد میزدکه «دزد» را بگیرید.

ولی بکوری‌چشم‌امپریالیسم امریکا، دیگر بازارهاازآشفتگی یکی پس‌ازدیگری بدرمی‌آیند و دزد واقعی رادیگر همه‌شناخته‌اند. در ایران مانیز پس از ده‌ها سال

آمریکا باید شاه مخلوع را به ایران تحویل دهد